

A Comparison of the Political Role of Women in the Islamic Revolution and the Revolutionary Changes in Arab Countries

Zahed Ghaffari Hashjin 

Professor, Department of Political Science, Shahed University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

z_ghafari@yahoo.com

Ghodsi Alizadeh Seylab 

Visiting Assistant Professor, Department of Political Science, Shahed University, Tehran, Iran.

gh.alizadeh88@yahoo.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2024 /09 / 05 Revised: 2024 /09 / 22 Accepted: 2024 /09 / 29 Published Online: 2024 /10 / 21	The aim of the present article is to examine and compare the political role of women in the Islamic Revolution and the revolutionary changes in Arab countries. Today, the importance of women's presence in various sectors of society, especially in the political arena and revolutionary movements, is evident to all; because women not only constitute half of the society but also influence the other half. Accordingly, they play a significant role, both directly and indirectly, in advancing the aspirations of society. The main research question is: What has been the political role of women in the Islamic Revolution and the revolutionary changes in Arab countries, and what are the similarities and differences between them? To answer this question, a comparative method was used to analyze the political role of women in the Islamic Revolution and Arab countries. Theoretical discussions relied on political participation theories, and data collection was conducted through document analysis. The findings indicate that women played political roles at various stages—including the formation, victory, establishment, and consolidation of the revolution—by engaging in activities such as participation in the initial revolutionary cores, involvement in revolutionary activities, participation in struggles, holding executive responsibilities, and more. Furthermore, active and enthusiastic participation in the struggle and recruitment of fighters can be cited as a similarity, while the method of recruiting fighters represents a difference in the political roles of women in the Islamic Revolution and the revolutionary changes in Arab countries. Keywords: Women, Political Role, Islamic Revolution, Revolutionary Changes, Arab Countries



دوره ۱۱ | شماره ۴۱ | پاییز ۱۴۰۳

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.500317.1393>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

مقایسه نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی کشورهای عربی

زاهد غفاری هاشجین

استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

z_ghafari@yahoo.com

قدسی علیزاده سیلاب

استادیار مدعو گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

gh.alizadeh88@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	هدف مقاله حاضر بررسی و مقایسه نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی کشورهای عربی است. امروزه اهمیت حضور زنان در عرصه‌های مختلف جامعه به‌ویژه عرصه سیاسی و حرکت‌های انقلابی بر همگان مشخص است؛ زیرا زنان علاوه بر اینکه نیمی از جامعه هستند؛ بر نیم دیگر جامعه نیز تأثیرگذارند. بدین ترتیب، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در پیشبرد آرمان‌های جامعه نقش مهمی ایفا می‌نمایند. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی کشورهای عربی چگونه بوده و تفاوت و شباهت‌های آن‌ها در چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، از روش مقایسه‌ای برای مقایسه نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و کشورهای عربی استفاده شده است. همچنین از نظریه‌های مربوط به مشارکت سیاسی برای مباحث نظری و از شیوه تحلیل اسنادی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی است که زنان در انقلاب اسلامی و در تحولات انقلابی کشورهای عربی، در مراحل مختلف از جمله شکل‌گیری، پیروزی، استقرار و تثبیت انقلاب اسلامی با انجام فعالیت‌هایی چون: مشارکت در هسته‌های اولیه انقلابی، مشارکت در فعالیت‌های انقلابی، شرکت در مبارزات، تصدی مسئولیت‌های اجرایی و ... به ایفای نقش سیاسی پرداخته‌اند. همچنین می‌توان حضور فعال و پرشور در مبارزه و جذب مبارزین را به‌عنوان وجه شباهت و شیوه جذب مبارزین را به‌عنوان وجه تفاوت نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی کشورهای عربی برشمرد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸	
انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰	
صفحات: ۷۹-۱۰۸	
کلیدواژه‌ها: زنان، نقش سیاسی، انقلاب اسلامی، تحولات انقلابی، کشورهای عربی.	

مقدمه

در هر دوره از تاریخ ایران حضور و مشارکت مستقیم زنان در جامعه با موانع متعددی روبرو بوده است. مقصود از مشارکت مستقیم فعالیت، ارتباط و تأثیر مستقیم زن در فعالیت‌ها و عرصه‌های اجتماعی است. این عرصه، پس از خانواده، ساحت تلاش گسترده برای رسیدن به کمال است. بخشی از رشد معنوی و شخصیتی زن در خانواده و قسمت زیادی نیز در عرصه حیات اجتماعی شکل می‌گیرد. در اجتماع بخش بزرگی از استعدادها و قابلیت‌ها به فعلیت می‌رسد. میدان فعالیت‌های اجتماعی نیز امروزه همراه با پیشرفت علوم و صنایع و پیدایی عرصه‌های جدید، گسترده و متنوع شده است؛ اشتغال، تجارت، هنر، ورزش، صنعت، مدیریت خرد و کلان، تشکلات و احزاب، دادرسی، تعلیم و تعلم از آن جمله است.

زنان در جریان انقلاب اسلامی نقش تأثیرگذار و بی‌بدیل خود را اثبات نمودند. نقش تأثیرگذار زنان در جریان انقلاب اسلامی و پس از آن در جریان جنگ تحمیلی دوشاش و حتی پیشاپیش مردان موجب شد؛ پیروزی انقلاب اسلامی و مقاومت‌های ستودنی در جنگ تحمیلی مرهون و مدیون حضور تأثیرگذار آنان بوده است. امروزه با آشکار شدن توانایی‌های گوناگون زنان در عرصه‌های مختلف، اهمیت حضور آنان را در صحنه‌های مختلف جامعه در جهت پیشبرد اهداف نظام بر همگان مشخص شده است. پس از انقلاب، زنان در پرتو سیره و سخن امام، به‌صورت مثبت نسبت به ابعاد مختلف نظام سیاسی، حساسیت نشان دادند و رابطه‌ی فعالی با آن برقرار کردند. تصویری روشن از جایگاه خویش در نظام سیاسی یافتند. به‌این ترتیب، فرهنگ سیاسی مشارکتی در میان قشر زنان شکل گرفت.

در تحولات انقلابی کشورهای عربی نیز حضور چشمگیر زنان در تحولات انقلابی مشاهده می‌شود. بر همین اساس عدم حضور زنان در جامعه را می‌توان به‌عنوان یکی از آسیب‌های جدی متوجه نظام‌های پس از انقلاب‌ها دانست. این نکته که زنان در انقلاب اسلامی و تحولات کشورهای عربی چگونه به ایفای نقش خود پرداخته‌اند و در کدام مراحل نقش حساس‌تری ایفا نموده‌اند؛ قابل تأمل و توجه است؛ لذا بررسی و مقایسه نقش سیاسی زنان در برهه‌های تأثیرگذار می‌تواند الگویی راهگشا و هموارکننده مسیر حضور آنان در عصر حاضر در جهت نیل به اهداف جامعه باشد. براین اساس، پژوهش حاضر درصدد است به این سؤال اصلی پاسخ

دهد؛ «نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی کشورهای عربی چگونه بوده و تفاوت و شباهت‌های آن‌ها در چیست؟»

این تحقیق از نوع تحقیقات کیفی بوده و روش انجام آن تحلیل تاریخی و اسنادی است. هدف تحقیق در این روش به کار بردن داده‌های مربوط به واقعیت‌های مرتبط با رویدادهای گذشته و تفسیر آن‌هاست. از این طریق می‌توان به عوامل مؤثر در بروز وقایعی که در گذشته رخ داده است پی برد و رویدادهای زمان حال را بهتر شناخت. در ارتباط با موضوع مورد مطالعه این کار با بررسی کتب، آثار و متون تاریخی، همچنین بررسی اسناد مختلف مربوط به نقش زنان در انقلاب اسلامی و انقلاب‌های خاورمیانه انجام و داده‌های حاصل از تحقیق تحلیل گردید. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق فیش‌برداری از منابع مرتبط با موضوع است. این منابع شامل اسناد و نوشته‌های مربوط به فعالیت‌های گذشته مانند روزنامه و غیره، اسناد و مدارک منتشر شده که حاوی داده‌هایی درباره گذشته‌اند، اطلاعات شفاهی و آثار تاریخی. بخش دیگری از اطلاعات مورد نیاز از طریق جستجو در سایت‌های اینترنتی جمع‌آوری شده است.

۱. پیشینه تحقیق

زهedy گهرپور در مقاله «بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی» (۱۳۸۹)، به دنبال پاسخی برای علت پایین بودن مشارکت سیاسی زنان در خاورمیانه است. موانع مشارکت سیاسی زنان را به موانع سیاسی، فرهنگی، آموزشی و فیزیولوژیکی دسته‌بندی می‌کند. وی معتقد است عدم دموکراسی در منطقه سبب کاهش مشارکت سیاسی زنان شده است. تفاوت این مقاله با موضوع پژوهش حاضر این است که این تحقیق به دنبال بررسی نقش سیاسی زنان در فرایند انقلاب است؛ نه بررسی حضور آن‌ها در مشاغل سیاسی کشور.

خلیلی در مقاله «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران» (۱۳۸۶)، به بررسی علل عدم مشارکت زنان در زمینه‌هایی نظیر سیاسی و اجتماعی پرداخته است. وی معتقد است زنان باید باورهای خود را در جامعه تغییر دهند تا بتوانند در تمامی عرصه‌ها به فعالیت بپردازند. خلیلی راه‌حل را در تواناسازی بانوان می‌داند که در فرایند اجتماعی شدن باید بدان اهمیت داد. دو مانع ساختاری و غیر ساختاری بر مشارکت سیاسی زنان تأثیر گذاشته است. تفاوت این

مقاله با موضوع تحقیق حاضر این است که به بررسی آسیب‌ها و موانع پرداخته؛ اما پژوهش حاضر به دنبال نقش سیاسی زنان و تأثیر آن در تحولات انقلابی است.

کاشف الغطاء در مقاله «تأثیر شرایط اجتماعی-اقتصادی بر مشارکت سیاسی زنان در ایران» (۱۳۸۸)، بیان می‌دارد مشارکت سیاسی زنان با پایگاه‌های اجتماعی و نقشی که در جامعه به دست می‌آورند و وظایف و نقش‌هایی که در خانه دارند در ارتباط است. یکی از آن شرایط، نقش مادری است. مسئولیت بقای نسل و وظایفی که به تبع آن به زن و خانواده واگذار می‌شود؛ از دلایل کاهش مشارکت زنان است. این مقاله شرایط مؤثر در مشارکت زنان را بررسی کرده، برخلاف تحقیق حاضر که به بررسی نقش سیاسی زنان در انقلاب‌ها می‌پردازد. کاشف الغطاء در مقاله خود تحت عنوان «رشد سیاسی» (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵)، زنان بیان می‌دارد از نظر اسلام، همان‌گونه که زن و مرد در وابستگی و استقلال وجودی مساوی‌اند، در بسیاری امور دیگر مثل استقلال سیاسی و اقتصادی نیز یکسانند. قرآن زن را همچون مرد، مسئول و متعهد و طبعاً مستقل معرفی کرده و به او حق داده است در مسائل اصلی خود تصمیم‌گیر باشد و در انتخاب روش سیاسی و حکومتی که باید مبتنی بر شناخت و آگاهی باشد، خود اقدام کند. البته در تحقیق حاضر زن به‌عنوان موجودی مستقل در نظر گرفته شده که در امور سیاسی دارای تأثیر است و به بررسی نوع تأثیر او پرداخته شده است.

در فصل چهارم جلد یک کتاب مسائل جرحه فی فقه المرأة پیرامون حقوق سیاسی زنان به نام «أهلية المرأة لتولي السلطة»، شایستگی زن برای رهبری حکومت، با تعریف فعالیت سیاسی و برشمردن مصادیق آن، اختلاف نظر فقها را درباره هر یک از مصادیق آن ذکر می‌کند. سپس ادله نافین مشارکت سیاسی را طرح، بررسی و رد کرده و با استناد آیات و روایات ولایت بر نفس، ریاست و حکومت زنان را جایز می‌داند و نیز اصل عملی برائت را طرح و بررسی می‌نماید و می‌گوید: «بنابر اصل برائت عقلی و شرعی نمی‌توان ادعا کرد که زنان از دیدگاه شرع صلاحیت تصدی ریاست دولت را ندارند».

کریمی تبار در مقاله «مشارکت سیاسی زنان مسلمان ایران و زنان صدر اسلام» (۱۳۸۴)، به بررسی و مقایسه نقش زنان در این دوره‌ها و نحوه رفتار و الگوگیری آن‌ها در زمینه مشارکت سیاسی می‌پردازد. نویسنده بیان می‌دارد زنان مسلمان ایرانی در عین وفاداری به ارزش‌های مذهبی و اسلامی، در مواجهه با مسائل سیاسی و اجتماعی کشور خود بی‌تفاوت نبودند و

در صحنه‌های انقلاب حضوری فعال یافتند. آن‌ها با تأسی به زنان صدر اسلام، به خصوص حضرت زهرا^(س) در راه پشتیبانی و دفاع از دین و ولی فقیه و برپایی جامعه اسلامی از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.

یزدخواستی در کتاب *زنان و تغییرات اجتماعی* بیان می‌دارد یکی از ویژگی‌هایی که انقلاب اسلامی را از دیگر انقلاب‌ها متمایز نمود سهم بودن بانوان در آن است. از نظر نویسنده زنان در تمامی ابعاد و زندگی اجتماعی، از جمله در انقلاب، دو نقش ایفا می‌نمایند و هر دو نقش باید بررسی شود: یکی نقش مستقیم و دیگری غیرمستقیم. در پایان تحلیل طولی و عرضی این مشارکت، به سهم بودن زنان در به ثمر رسیدن، تداوم و نگهداری انقلاب می‌رسد.

۲. مبانی نظری بررسی مفاهیم و تعاریف مشارکت سیاسی

۲-۱. مفهوم مشارکت سیاسی

واژه مشارکت به معنای امروزی و تخصصی آن پس از جنگ جهانی دوم در ادبیات مربوط به توسعه علم و اقتصاد رواج فراوان یافت. به طور خاص، تعاریف متعددی از مشارکت سیاسی بیان شده است؛ بر این اساس: «مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخابات رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است» (مصفا، ۱۳۷۵، ص. ۲۰).

مشارکت سیاسی متضمن سهم شدن اجتماعی فعال، غیر توده‌ای، برابر و ناآمرانه از بالا به پایین افراد و گروه‌ها (به‌ویژه افراد و گروه‌های زیردست) در تلاشی سازمان‌یافته و سنجیده به منظور هدایت سرنوشت و بهبود اوضاع زندگی‌شان از حیث دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و افزایش کنترل بر نهادهای سیاسی است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ۱۵). مایکل راش مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح گوناگون فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام سیاسی رسمی می‌داند (راش، ۱۳۷۷، ص. ۱۲۳). همچنین مشارکت سیاسی به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت و حمایت از نظام سیاسی بیان شده است. حوزه عمل مردم در امر مشارکت، شامل اعمال فشار، رقابت و تأثیرگذاری از یک سو و حمایت و پشتیبانی از سوی دیگر است. برای مشارکت سیاسی انواع

و سطوح گوناگونی می‌توان در نظر گرفت. مشارکت سیاسی تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، باورهای مذهبی و پیشینه تاریخی قرار می‌گیرد. مشارکت می‌تواند مسالمت‌آمیز یا غیر مسالمت‌آمیز، مستقیم یا غیرمستقیم، در سطح توده یا نخبگان، رسمی یا غیررسمی، خودجوش یا برانگیخته باشد (وثوقی و هاشمی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۸). از نظر وربا و کیم «مشارکت سیاسی تمام فعالیت‌های قانونی شهروندان غیر حکومتی است که کم‌وبیش قصد دارند به‌طور مستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا اعمال آن‌ها تأثیر گذارند» (فیرحی، ۱۳۷۷، ص. ۴۳). به عبارت دیگر، مشارکت سیاسی، یعنی تأثیرگذاری عملی بر حکومت و رساندن صدای خود به گوش دیگران.

مشارکت سیاسی به معنای تصمیم‌گیری در مقدرات اساسی کشور است. از این رو، شرکت زنان در تعیین مدیران مسئول اداره جامعه، شرکت در تعیین مقدرات اساسی شمرده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص. ۲۹۲). مشارکت سیاسی، یعنی مساعی سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی - سیاسی و تأثیرگذاری بر صورت‌بندی و هدایت سیاست دولت (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳، ص. ۵۲۲). گونه‌های سلسله‌مراتبی مشارکت سیاسی از دیدگاه میلبرات عبارت است از: ۱. داشتن مقام سیاسی یا اداری؛ ۲. جستجوی مقام سیاسی یا اداری؛ ۳. عضویت فعال در یک سازمان سیاسی؛ ۴. عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی؛ ۵. مشارکت در اجتماعات عمومی، تظاهرات و...؛ ۶. عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی؛ ۷. عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی؛ ۸. مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی؛ ۹. اندکی علاقه و میل به سیاست؛ ۱۰. رأی دادن (راش، ۱۳۷۷، ص. ۱۳۲).

مشارکت سیاسی را می‌توان به‌صورت افزایش تقاضا برای سهم شدن در قدرت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌وسیله مردم تعریف کرد. هدف از مشارکت نیز فعال کردن گروه‌ها و افرادی است که بی تفاوت بوده‌اند (قوام، ۱۳۸۴، ص ۱۰). یکی از دانشمندان به نام مک کلو سکی در تعریفی، مشارکت سیاسی را از آن دسته فعالیت‌های داوطلبانه می‌داند که به‌وسیله افراد یک جامعه در انتخاب حاکمان سهم شوند و به‌طور مستقیم در شکل‌گیری سیاست ملی نقش ایفا کنند. در تعریف دیگر، مشارکت سیاسی، یعنی شرکت داوطلبانه و غیر تحریک شده مردم با هدف تأثیرگذاری بر سیاست‌های کشور و انتخاب رهبران سیاسی

به طور مستقیم و غیرمستقیم (Maclosky, 1968, P.249). از آنجا که عمل سیاسی و تعریف آن در جوامع مختلف، متفاوت است، تعیین مفهومی مشخص برای مشارکت سیاسی نیز آسان نیست. با این حال، تعاریف می توانند ما را در شناخت این پدیده یاری نمایند (غفوری بنادکوی، ۱۳۶۹، صص. ۳۱-۱۵).

۲-۲. دیدگاه های مشارکت سیاسی زنان در اسلام

قرآن کریم

جایگاه زنان بر اساس آیات قرآنی و احادیث همانند مردان در اسلام است (شمس الدین، ۱۳۷۶، ص. ۲۲). شواهد زیادی را می توان درباره مشارکت زنان و فعالیت آنان در جامعه مشاهده کرد. نمونه هایی را می توان در سوره مجادله و سوره ممتحنه راجع چانه زنی زنان و بیعت آنان و همچنین در سوره نمل از مصادقی از حکمرانی زنان و ملکه سبا را ذکر نمود. در این آیات الگویی از مدیریت سالم سیاسی - اجتماعی یک زن مشاهده می شود که اصول مدیریت را رعایت کرده و از این رو، راهبر قومش به سوی رستگاری دنیوی و اخروی شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص. ۲۸۲).

خداوند در رابطه با شورا و مشورت به دو آیه ۳۸ سوره شوری و ۱۵۹ سوره آل عمران، اشاره می نماید. ابتدا خصوصیات بارز مؤمنان ذکر می شود و سپس در آیه بعدی دستور مشورت با آنها اعم از زن و مرد صادر می شود. در آیات ۵۸ سوره نساء و ۴۲ و ۴۵ سوره مائده بر داوری بر اساس حق و عدل تأکید شده است؛ از این آیه نیز چنین استنباط می شود که زنان نیز تا حدی می توانند در قضا سهم باشند.

روایات و احادیث

۸۶

پیامبر (ص) بعد از انعقاد پیمان صلح حدیبیه هنگامی که یاران در همراهی و پذیرش صلح حدیبیه دچار شک و تردید بودند و نمی خواستند از احرام خارج شوند، آن حضرت پس از مشورت با ام سلمه و پذیرش نظر او با ذبح شتر و تراشیدن سر از حالت احرام خارج شدند و شک و تردید حاکم از بین رفت (الخت، ۱۹۸۴، ص. ۸۵). در واقع بر اساس حدیث مربوط به این امر، حضرت در تثبیت یک امر مهم و پیمان سیاسی طبق نظر ام سلمه عمل کرد و خود این امر می تواند بیانگر و گواه محکمی بر اظهار نظر زنان در مسائل مهم سیاسی جامعه باشد. تحت حکومت

اسلامی مدینه زنان و دختران مدینه به دنبال ایجاد تشکیلاتی برای دفاع از حقوق خویش بودند و نمایندگانی را انتخاب کرده و برای مذاکره پیش پیامبر^(ص) می فرستادند (مجلسی، ۱۴۰۳، ص. ۳۰۵). به طور کلی، زنان پا به پای مردان در امور اجتماعی مشارکت می کردند (عبدالحلیم، ۱۴۱۰، ج ۲، ص. ۴۶۰). در ادامه با توجه به مباحث بخش نظری، می توان شاخص های مشارکت سیاسی زنان را بر اساس مدل شماره ۱ طراحی و تشریح نمود.

۳-۲. شاخص های مشارکت سیاسی زنان در انقلاب ها

۳-۲-۱. مرحله شکل گیری و شروع انقلاب ها

الف) مشارکت در هسته های اولیه انقلابی: هسته های اولیه انقلابی بیشتر در قالب هیأت و جلسه سخنرانی در منازل به طور مخفی ایجاد می شوند که با پشتیبانی زنان از آن ها استمرار یافته و در جامعه میان اقشار و افراد دیگر به تدریج گسترش می یابند. زنان با پذیرش ایدئولوژی انقلابی به آن شکلی عملی بخشیده و به مبارزه می پردازند.

ب) مشارکت در فعالیت های انقلابی: فعالیت های انقلابی شامل سخنرانی، پخش اخبار و ایدئولوژی گروه، جذب مبارز به گروه، اعتصاب و اعتراض به رژیم موجود، تظاهرات و غیره است که زنان نیز در تمامی این مراحل دوشادوش مردان به فعالیت پرداخته و در جهت تسریع وقوع انقلاب یاری می رسانند.

ج) جذب مبارز به گروه: برای وقوع انقلاب و تحقق اهداف آن در جامعه و در نهایت پیروزی آن نیاز به مشارکت گسترده مردمی است. فعالان انقلابی با تشکیل جلسات سخنرانی و پخش اعلامیه ها، دیگر افراد را در مورد فرایند انقلاب و دلایل مخالفت با رژیم مطلع نموده و درصدد جذب آن ها به گروه برمی آیند. در این میان زنان نیز با اقداماتی نظیر تشکیل و شرکت در جلسات مذهبی در خانه، تشویق همسر و فرزندان به این یارگیری کمک می نمایند.

۳-۲-۲. مرحله اوج و پیروزی انقلاب ها

الف) شرکت در راهپیمایی ها و تظاهرات: در مراحل بعدی انقلاب به ویژه در زمان اوج آن، زنان به همراه کودکان خردسال خود در تظاهرات شرکت نموده و با اعلام انزجار از رژیم موجود، خواهان برکناری آن می شوند.

ب) تشویق مردان به مبارزه: در تمامی مراحل انقلاب، زنان با تشویق مردان از جمله همسران و فرزندان خود به فعالیت در امور انقلابی و حتی ایثار جان، در جهت پیروزی انقلاب گام برمی دارند.

ج) شرکت در مبارزات: در زمانی که مبارزات بین انقلابیون و رژیم موجود آغاز می شود و در برخی مواقع حتی به دستگیری، شکنجه و اعدام افراد انقلابی می انجامد نیز، زنان در کنار مردان بوده و به این مبارزات کمک رسانی می نمایند. آن‌ها در بیشتر مواقع تفنگ به دست گرفته و با مأموران به مبارزه می پردازند.

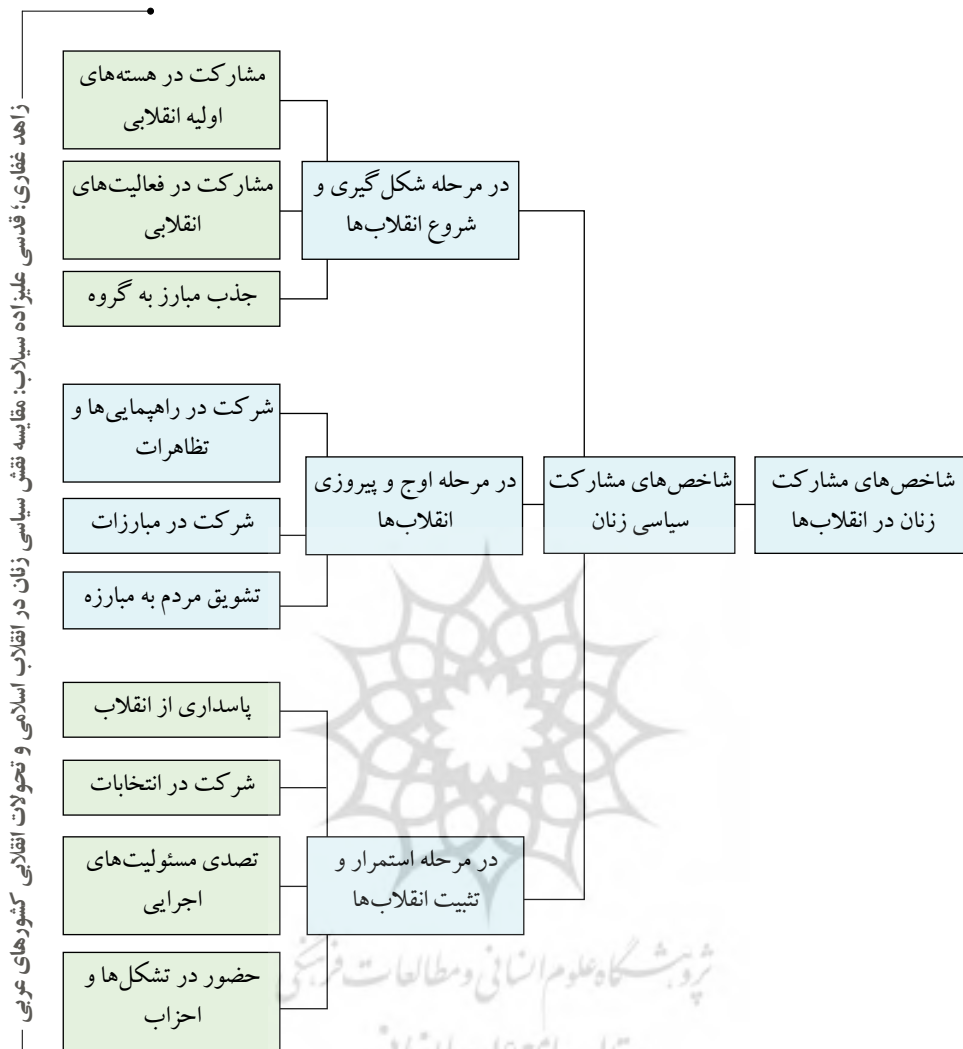
۳-۲. مرحله استقرار و تثبیت انقلاب‌ها

الف) شرکت در انتخابات: بعد از پیروزی انقلاب‌ها، تمامی اقشار جامعه اعم از زن و مرد در دستاوردهای آن سهیم می شوند و به همین علت درصدد برمی آیند تا با شرکت در انتخابات و انتخاب فردی اصلح، در جهت حفظ و نگهداری از انقلاب تازه به ثمر رسیده، اقدام نمایند.

ب) تصدی مسئولیت‌های اجرایی: برخی بانوان با توجه به استعدادها و توانایی‌هایی که دارا می باشند، بعد از پیروزی انقلاب نیز به کمک آن شتافته و با بر عهده گرفتن برخی مسئولیت‌ها نظیر قانون گذاری، مدیریت، آموزش و ... به استقرار و استمرار حکومت جدید یاری می رسانند.

ج) پاسداری از انقلاب: در فرایند شکل گیری و پیروزی انقلاب زنان مسلمان و مبارز ایفای نقش گسترده‌ای داشته و بعد از آن‌هم در حفظ و تداوم آن تلاش زیادی می کنند.

د) حضور در تشکله‌ها و احزاب: حضور زنان در احزاب و تشکلهای سیاسی در زمان وقوع انقلاب نسبت به زمان صلح و آرامش جامعه بیشتر است و آن‌ها با حضورشان بر آگاهی سیاسی خود افزوده و در جهت کمک به تحقق اهداف انقلاب عمل می نمایند.



۳. نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی کشورهای عربی

در این بخش ابتدا به بررسی نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی پرداخته و سپس با نقش سیاسی زنان در تحولات انقلابی کشورهای عربی مقایسه می شود. حضور زنان در انقلاب اسلامی بسیار چشم گیر است؛ البته این مشارکت بیشتر جنبه سیاسی داشت؛ ولی لازمه حضور آنان ارتباط، همدلی، همفکری و فعالیت در یک جهت بود. این حضور، حاصل تحولی روحی است که در مردم، به ویژه زنان، در پرتو بهره گیری از اسلام به وجود آمده بود.

۳-۱. نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی

در رابطه با اهمیت و تأثیرگذاری نقش سیاسی زنان باید گفت؛ امام خمینی پیروزی نهضت اسلامی ایران را بیش از هر چیز مدیون مبارزات سیاسی زنان می‌دید. تأکید ایشان بر نقش سازنده و ارزنده زنان در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی سبب شد؛ نوعی خودباوری و اعتماد به نفس در زنان پدید آید که پیش از آن سابقه نداشت. زنان برای نخستین بار به اهمیت نقش سیاسی اجتماعی خویش واقف شدند. این وضعیت، زمینه مناسبی برای مشارکت جویی زنان بود. به نظر ایشان، مشارکت زنان در نهضت علیه رژیم پهلوی بسیار گسترده بود، چنان که با درآغوش داشتن فرزندان‌شان در میدان مبارزه گام می‌نهادند و مقابل سرنیزه‌ها، مسلسل‌ها و تانک‌های دژخیمان پهلوی شعار می‌دادند؛ در شهرهای مختلف جلسه‌های سیاسی تشکیل می‌دادند.

امام در پیام‌های خود نه تنها این قشر را کنار نزد، بلکه با درایت خاص خویش، به نقش آنان در پیشبرد نهضت تأکید کرد و حتی شرکت آنان را واجب شمرده و موافقت پدر یا شوهر را لازم ندانست. توجه به این پتانسیل بزرگ، به روند نهضت سرعت بخشید. «به همین سبب، به‌ویژه در سال‌های آخر رژیم، زنان مسلمان با چادرهای سیاه خود که به‌نوعی نماد تبدیل شده بود، در تظاهرات اعتراض آمیز شرکت گسترده‌ای کردند؛ به‌طوری که روزنامه‌های آن دوره، مکرر به فزونی گرفتن شرکت زنان در تظاهرات تأکید می‌نمودند. به‌ویژه حضور زنان با چادرهای سیاه در تظاهرات اعتراض آمیز علیه رژیم، بازتاب خاصی داشت» (طغرانگار، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۵).

زنان به‌صورت خودجوش و ابتکاری با اشکال مختلف، در فرایند انقلاب مشارکت می‌کردند که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: پخش اخبار و توزیع اطلاعیه‌ها؛ انجام اعمال انسان‌دوستانه و رفع نیازها، همانند کمک به مجروحان و پناه دادن به فعالان؛ شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات خیابانی؛ کمک به ساختن موانع و ایجاد سد راه برای نیروهای نظارتی؛ فعالیت در جنبش‌های مخفی؛ شرکت در مبارزه نظامی و استفاده از سلاح؛ شرکت در جلسات سیاسی و سخنرانی‌ها و استماع تاریخ جنبش‌های سیاسی (مصفا، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۶). در ادامه به بررسی نقش و مشارکت سیاسی زنان در مراحل مختلف شکل‌گیری، اوج و پس از انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود.

۴. شکل‌گیری و شروع انقلاب اسلامی

۴-۱. مشارکت در هسته‌های اولیه انقلابی

شواهد و مصادیق زیادی از صحنه‌های حضور زنان می‌توان در تاریخ انقلاب اسلامی اعم از مشارکت آن‌ها در هسته‌های مبارزاتی، برخورد‌های مسلحانه، پخش اعلامیه‌ها، حمایت و پشتیبانی از خانواده‌های افراد مبارز زندانی، شهدا و مجروحان و همچنین حضور چشمگیر آن‌ها در مساجد و هیأت‌های مذهبی در راستای فعالیت‌های انقلابی مشاهده نمود (حاجی بیگی، ۱۳۷۹، ص. ۲۱۳).

از موارد دیگر مبارزه شرکت در تحصن‌ها و اعتصابات بود که زنان کارمند و کارگر در این باره نقش بسزایی داشتند. بهترین شاهد مثال در این باره، فعالیت‌های سیاسی مرضیه دباغ، در زمینه توزیع و پخش اعلامیه و سرانجام دستگیری ایشان است که در کمیته مشترک ضدخرابکاری به همراه دختر خود سخت‌ترین شکنجه‌ها را تا پای مرگ تحمل نمود (کاظمی، ۱۳۸۱، صص. ۱۵-۱۶).

۴-۲. مشارکت در فعالیت‌های انقلابی

باز گذاشتن در خانه‌ها و حمایت از زخمی‌ها و افرادی که در راهپیمایی‌ها مورد تعقیب قرار می‌گرفتند نیز جنبه‌ای دیگر از حضور فعال زنان در پیشبرد انقلاب است که خطرات این کار نیز بر کسی پوشیده نیست. در همین راستا، می‌توان به پناه دادن به سربازان فراری پس از فرمان امام مبنی بر ترک پادگان‌ها اشاره کرد. برخورد مشفقانه و مادرانه زنان با این دسته از انقلابیون نیز تأثیری شگرف بر پیشبرد حرکت انقلابی مردم داشت. حضور پررنگ زنان در صف‌های اهدای خون در روزهایی که بیمارستان‌ها با زخمی‌های زیادی مواجه بودند، بُعد دیگری است از ایثارگری‌های جامعه زنان برای تحقق آرمان‌های امام و امت.

در روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، در میدان ژاله تعدادی از زنان در کنار مردان کشته شدند. بدین ترتیب، زنان مستقیم مورد حمله قرار می‌گرفتند؛ لذا نه تنها به عنوان مادر، همسر، خواهر و دختر بلکه به عنوان فرد مستقل خشم خود را نشان می‌دادند (حافظیان، ۱۳۸۰، صص. ۱۶۰-۱۵۹).

۳-۴. جذب مبارز به گروه

مرضیه دباغ بیان کرد در سال ۱۳۵۱ تصمیم داشتیم که بر تعداد پایگاه‌ها و خانه‌های امن گروه بیافزاییم و افراد بیشتری را جذب کنیم؛ لذا باید راه‌های بسیاری را پیش می‌گرفتیم. یکی از بهترین راه‌ها این بود که با معرفی دختر و پسر مسلمان به هم آن‌ها را به ازدواج و زندگی مشترک ترغیب می‌کردیم. پس از شکل‌گیری هر ازدواج خانه و پایگاه‌هایی برای بچه‌های مبارز فراهم می‌شد. دو تن از دختران من در سن سیزده، چهارده در راستای همین سیاست ازدواج کردند (کاظمی، ۱۳۸۱، ص. ۶۱).

۵. مرحلهٔ اوج و پیروزی انقلاب اسلامی

۵-۱. شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات

امام در پاریس اعلام داشت شرکت خانم‌ها در تظاهرات و راهپیمایی‌ها ولو با منع صریح پدران و شوهرانشان مواجه شوند، واجب است و آن‌ها حق ندارند مانع شرکت زنان شوند. این امر زمینه‌های حضور گسترده بانوان را در عرصهٔ عمومی جامعه بیشتر فراهم کرد (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۶، ص. ۱۲۵). ایشان از نقش مستقیم زنان در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی تجلیل و تقدیر نمود (امام خمینی، ج ۴، ص. ۴۴۰؛ ج ۷، صص. ۳۴۰-۳۳۸). به تعبیر نیکی کدی «هنگامی که تهدید رژیم بالا می‌گرفت، این خانم‌های چادری با کمال شجاعت در صف جلوی تظاهرات حضور می‌یافتند» (کدی، ۱۳۶۹، ص. ۳۶۶). با توجه به نقش گستردهٔ زنان در انقلاب اسلامی امام معتقد بود که هیچ تاریخی، چنین مردانگی و فداکاری را از زنان ثبت نکرده است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص. ۵۱۲).

مادران با کودکان در آغوش و بدون ترس از تانک، توپ و مسلسل به میدان مبارزه می‌آمدند (حافظیان، ۱۳۸۰، ص. ۱۵۷). حضور زنان در شب هنگام و در پشت‌بام‌ها، همگام با مردان و سر دادن شعار الله‌اکبر، از فعالیت‌های عادی و همیشگی آنان در طول مبارزه انقلابی بود. جان‌فوران نیز به پشت‌تاز بودن زنان در صفوف جمعیت و اینکه خطر به جان می‌خریدند، اشاره کرده و معتقد است شرکت زنان در راهپیمایی‌ها و تظاهرات، سخت‌تر و خطرناک‌تر از مشارکت مردان بوده است (فوران، ۱۳۷۷، ص. ۵۶۱).

۲-۵. تشویق مردان به مبارزه

از نظر امام: «ما همه در این نهضت سهیم هستیم و شما خانم‌ها سهم بزرگ دارید. یعنی آمدن شما خانم‌ها به خیابان‌ها و میدان‌های مبارزه موجب این شد که مردها هم قوه پیدا بکنند، تقویت بشوند؛ روحیه آن‌ها هم با آمدن شما تقویت بشود. شما سهم بزرگی در این نهضت دارید» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص. ۴۹۹). زنان، علاوه بر حضور مستقیم، در تشویق، تحریک و تشجیع مردان برای پیوستن به روند پیروزی انقلاب اسلامی، نقشی مؤثر داشته‌اند. این مسئله را بارها، امام تأیید کرده است. «این طبقه محترم زن‌ها که در جنوب تهران و در شهر قم و در سایر شهرها... در نهضت پیشقدم بودند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۳۴۱). به تعبیر رهبری انقلاب زنان نه تنها خود عمل انقلابی انجام می‌دادند، بلکه مردان را نیز در این بار تشویق می‌کردند (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/ ۸/ ۱۳۷۰).

۳-۵. شرکت در مبارزات

زنان در جریان مبارزات انقلابی علاوه بر سنگر سازی، برخی از آنان برای مبارزه اسلحه نیز به دست داشتند در روزهای پیروزی انقلاب، زنان و دختران در منازل خود مواد منفجره و کوکتل مولوتف درست می‌کردند و برای مبارزه در اختیار مردان قرار می‌دادند. میل به مبارزه و رها ساختن زندگی آرام و بی‌دردسر و روی آوردن به زندگی پرمخاطره و مبارزه با طاغوت از تحولاتی بود که خداوند در وجود زن‌ها ایجاد نمود. آن ترس و وحشتی که از رژیم داشتند، از میان رفت و شجاعت و شهامت جای آن نشست. زنان مسلمان از چکمه‌پوشان و سرنیزه‌های گارد شاهنشاهی واهمه‌ای به دل راه نمی‌دادند و از زخمی و کشته شدن نمی‌هراسیدند. امام به این تحول در سخنان‌شان اشاره می‌نماید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۱۲۹).

نقش زنان در مبارزات مسلحانه، بیشتر به صورت سازمان نیافته و در جریان ماه‌های آخر روند انقلاب اسلامی صورت گرفت. در این زمان زنان ایرانی همچون زنان الجزایری، اسلحه و دیگر مهمات را در زیر چادرهای خویش حمل و نقل می‌کردند. حتی شیوه استفاده از کوکتل مولوتف و تهیه آن را فرا گرفته و سپس آن را به سوی نیروهای امنیتی رژیم پهلوی پرتاب می‌کردند (حافظیان، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۱). برخی در پایگاه‌های نظامی در مرز لبنان و سوریه

آموزش‌های رزمی و چریکی را طی کرده و با گروه روحانیت مبارز خارج از کشور زیر نظر محمد منتظری فعالیت می‌کردند (کاظمی، ۱۳۸۱، ص. ۱۶).

۶. مرحله استقرار و تثبیت انقلاب اسلامی

۶-۱. شرکت در انتخابات

یکی از محورهایی که در حضور اجتماعی بانوان، مورد تأکید امام قرار داشت، مسئله مشارکت سیاسی زنان است. ایشان در این باره به کرات به نقش مؤثر زنان در انتخابات و داشتن حق رأی سرنوشت‌ساز آن‌ها و آثار آن بر تصمیم‌گیری‌ها و سازندگی مملکت اشاره کرده است.

۶-۲. تصدی مسئولیت‌های اجرایی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ماهیت دینی و مذهبی حکومت موجب شد تا زنان با حفظ باورها و ارزش‌های دینی خود در عرصه‌های سیاسی نیز، حضوری جدی داشته باشند. به همین سبب در انتخابات شوراهای در بسیاری از موارد زنان حتی از مردان پیشی گرفتند که این امر نه تنها از نظر بلوغ و رشد سیاسی زنان قابل توجه است، بلکه از حیث تحول فرهنگی مذکور نیز قابل تعمق و تأمل است. در دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی، حضور زنان در عرصه قانون‌گذاری قابل توجه بوده است. همچنین پس از دو دهه از انقلاب اسلامی برای نخستین بار در هیأت دولت دو زن به‌عنوان مشاور و معاون انتخاب شدند و این روند همچنان به اشکال مختلف در دولت‌های دیگر ادامه یافت.

۶-۳. پاسداری از انقلاب

امام همواره تأکید می‌کرد: «مرد و زن این کشور، همه پاسدار اسلام هستند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، صص. ۲۷-۲۸). «مسئله، مسئله یک حکومت نیست... مسئله اسلام است، مسئله اسلام یعنی بر زن و مرد این کشور واجب است که دفاع کنند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص. ۸۰). «زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص. ۳۰۱). در دوران دفاع مقدس به‌عنوان یکی از حوادث مهم بعد از انقلاب، زنان به اشکال مختلف در دفع خطر دشمن بعثی ایفای نقش نمودند. از جمله می‌توان به تشویق و ترغیب مردان برای حضور

در جبهه، یادگیری مهارت‌ها و کمک‌های امدادی و پرستاری برای یاری‌رسانی به رزمندگان، جمع‌آوری اقلام موردنیاز جبهه‌ها، بافت شال و کلاه و لباس‌های گرم، پخت نان و تهیه مواد غذایی و غیره را می‌توان بیان کرد.

دباغ پس از تصدی فرماندهی سپاه همدان، جلساتی برگزار کرد و با مشورت‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، رایزنی‌ها و مشاوره‌های بسیار، تعدادی از برادران (حدود هفتاد نفر) را به سپاه جذب و به هر یک مسئولیتی واگذار کرد. همچنین ایشان به استفاده از نیروی زنان جهت شناسایی افراد مشکوک در پاسداری از انقلاب اشاره می‌نماید (کاظمی، ۱۳۸۱، صص. ۱۹۰، ۱۹۳-۱۹۲).

۴-۶. حضور در تشکله‌ها و احزاب

اعظم طالقانی در ۱۳۶۹ توانست مجوز تأسیس تشکلی به نام «جامعه زنان انقلاب اسلامی» را از وزارت کشور بگیرد و ماهنامه پیام هاجر را که از ابتدای دهه شصت منتشر می‌نمود، ارگان رسمی تشکل نوپایش نماید. بعدها زنان تشکلهای مختلف دیگری را تشکیل دادند؛ از «صدف» می‌توان به عنوان آخرین تشکلی که از ائتلاف چهار حزب زنان اصلاح طلب (جمعیت زنان مسلمان نواندیش، مجمع زنان اصلاح طلب، انجمن روزنامه‌نگاران زن و جمعیت دفاع از حقوق بشر زنان) شکل گرفته است؛ نام برد. علاوه بر احزاب ذکر شده، مجمع اسلامی بانوان به دبیر کلی فاطمه کروی و جمعیت زنان جمهوری اسلامی به دبیر کلی زهرا مصطفوی دیگر احزابی هستند؛ با گرایش نزدیک به جریان اصلاح طلب فعالیت می‌نمایند؛ اما در سال‌های اخیر از فعالیت تشکلهای زنان کاسته شده است.

۷. نقش سیاسی زنان در تحولات انقلابی کشورهای عربی

۱-۷. مرحله شکل‌گیری و شروع حرکت‌های انقلابی خاورمیانه

الف) مشارکت در هسته‌های اولیه انقلابی

طی تحولات انقلابی کشورهای عربی، زنان محجبه مصر، یمن و بحرین، بر حاکمان شوریدند و برای فردایی بهتر، خواستار حقوق سیاسی و اجتماعی شدند؛ حتی در عربستان سعودی که پوشش رسانه‌ای نمی‌شود، زنان به پا خاستند تا جامعه خود را از ظلم و ستم نجات دهند

(صالح، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۲۹۱). جنبش انقلابی لیبی را زنان آغاز کردند؛ بستگان مردانی که در زندان‌های قذافی کشته شده بودند دست به اعتراض زدند و زنان معترض، نقش محوری در جنبش اعتراض‌های مردمی در شهرهای خارج از کنترل قذافی داشتند. علی‌رغم سرکوب خشونت‌بار نیروهای مخالف سیاسی در دوران قذافی، زنان تحت حاکمیت او گام‌های بلندی برداشتند و توانستند به شکل وسیعی وارد دبیرستان و دانشگاه‌ها شوند. بسیاری از آن‌ها پزشک، وکیل و قاضی شدند، چندین زن نیز سمت‌های مهم دولتی را از آن خود کردند.

ب) مشارکت در فعالیت‌های انقلابی

اولین صدای انقلاب تونس را خواهر محمد بوعزیزی برآورد. وی در رسانه‌ها از علت خودسوزی برادرش گفت و خواهان برابری سیاسی شد. هم‌زمان با پیروزی انقلاب ۲۵ ژانویه و بازگشت اوضاع به حالت طبیعی، بسیاری از زنان مصر نیز به میدان تحریر آمده و در کنار جوانان انجمن نظافت و زیباسازی قاهره اقدام به نظافت این میدان کردند (العارف عبداللاه، ۱۳۹۱، ج ۱، صص. ۳۵۳-۳۵۲). مشارکت زنان در انقلاب تونس، لیبی و یمن نیز توجه جهانیان را به خود معطوف کرده است. توکل کرمان فعال حوزه زنان یمن و رهبر زنان شرکت‌کننده در اعتراضات می‌گوید: «زنان مسلمان عرب نقشی بزرگ، مؤثر و تاریخی بازی می‌کنند. زنان در تونس، یمن و لیبی نه تنها در صحنه انقلاب حاضرند، بلکه گاهی شعله اعتراض به دست آن‌ها افروخته می‌شود». وی در ادامه با تحلیلی دقیق می‌گوید: «درحالی که هدف اول و مهم همه انقلاب‌ها سقوط نظام مستبد سیاسی است، زنان پیش از ورود به این مرحله در انقلاب علیه آداب و رسوم عرفی و فاقد پایه و اساس دینی پیروز شدند و سپس به ایفای نقش خود در انقلاب بعدی که همان انقلاب سیاسی است، پرداختند» (رادفر، ۱۳۹۱، صص. ۱۱۱-۱۱۰). نقش زنان در رهبری گروه‌های انقلابی به‌عنوان یکی از پرچم‌داران عرصه مقاومت، الگوسازی و الگو شدن برای دیگر اقشار، به‌عنوان رهبران جهاد، در تربیت اسلامی، به‌عنوان تکیه‌گاه مبارزه برای یک خانواده مبارز، از جمله مسائلی است که به‌وضوح می‌توان در مبارزات زنان بحرینی مشاهده نمود (رفیع و دیگران، ۱۳۹۱، ج ۲، ص. ۱۰).

ج) جذب مبارز به گروه

زینب خواجه وبلاگ‌نویس سرشناس و دختر یکی از مخالفان مشهور حکومت بحرین، پس از بازداشت پدرش و اعتصاب غذای وی در زندان با نوشتن پیام‌هایی در تویتر و منتشر کردن آن در اقدامی شجاعانه در میدان البدیع تحصن کرد و فریاد زد «مرگ بر حمد». این اقدام موجب پیوستن چند دختر به این جریان شد و در پایان به بازداشت وی انجامید (رویوران، ۱۳۹۱، ص. ۷).

۲-۷. مرحله اوج و پیروزی حرکت‌های انقلابی خاورمیانه

الف) شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات

در یمن، زن انقلابی در نظام سابق، بسیار مورد بی‌حرمتی و ضرب و شتم و تجاوز قرار گرفت و باعث شد هزاران زن علیه صالح- رئیس‌جمهور سابق- به خیابان‌ها بیایند و در اعتراض به کشتار، گروگان‌گیری، تهدید و بازداشت‌شان از کار و سفر و تجاوز جنسی تجمع کنند. همان‌طور که در مصر و لیبی هم اتفاق افتاد و زنان علیه رسوایی کشف حجاب که برای دور نگه داشتن آنان از اجتماع است، اعتراض کردند (احمد مرعی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۳۶۶). زنان مصری بعضی در میدان التحریر و برخی در سایر میدان‌های شهرها و استان‌های دیگر مصر به تظاهرات پرداختند (العارف عبدالله، ۱۳۹۱، ص. ۳۵۱). همچنین در سازمان‌دهی تظاهرکنندگان، شرکت در راهپیمایی‌ها و اعتصاب‌ها حضور داشتند. طبق گزارش‌ها ۲۰ درصد از افرادی که در میدان تحریر در همان اولین هفته جمع شده بودند را زنان تشکیل می‌دادند.

زنان محجبه مصری کنار مردان به خیابان‌ها آمده و خواهان سرنگونی مبارک بودند. یکی از زنان معترض مصری بیان نمود: «لازم است در این حادثه بزرگ زنان نیز در کنار مردان حضور یابند»؛ زنان به‌اندازه مردان از مشکلات جامعه ناراضی‌اند (رادفر، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۰). آنچه در تحولات اخیر مشارکت زنان در منطقه به‌ویژه مصر، لیبی، بحرین، تونس و یمن توجه جهانیان را به خود معطوف نمود؛ حضور وسیع زنان محجبه مسلمان، با شعارهای اسلامی در تظاهرات و زندانی یا شهید شدن آنان مانند مردان است (موسوی، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۶). زنان مسلمان کشورهای لیبی، بحرین و تونس در تظاهرات و راهپیمایی‌ها حضوری روزافزون داشتند (شالانی، ۱۳۹۱، ص. ۷۷)؛ و به ایستادگی در مقابل دشمن پرداختند. شجاعت حضور

آن‌ها، نقش تاریخ‌ساز و برجسته زن مسلمان ایرانی را در جریان انقلاب اسلامی ایران یادآوری می‌نمود.

(ب) تشویق مردان به مبارزه

آنچه مشهود است زنان مشارکت پویا و مضاعفی در رابطه با موضوع بیداری دارند؛ چرا که اغلب زنان هستند؛ مردان را به میدان می‌فرستند، حال این مرد میدان، پسری و همسری باشد که با آسودگی خیال از جانب خانواده‌اش در زمینه از خودگذشتگی و امانت‌داری آنان، به میدان عمل عمومی وارد می‌شود. زنان نقش ویژه‌ای را در رابطه با تغذیه و تأمین میدان مبارزه از طریق امداد رسانی و تعداد نفرات و نیروی انسانی عهده‌دار بودند، همچنان که نقش مهمی را در تأمین و پشتیبانی لجستیکی و معنوی مردان مبارز بر عهده داشتند. همان زنانی که عنوان می‌شود نصف جامعه را تشکیل می‌دهند، هرچند که در این رابطه نظریه دیگری نیز وجود دارد، چه بسا که سهم زنان امروزه بیش از نصف جامعه است. مادران مصری فرزندان خود را به شرکت در تظاهرات تشویق نموده و هرگز آن‌ها را از خطرهای این تظاهرات که منجر به درگیری‌های خونین و مسلحانه و کشته و مجروح شدن آنان می‌شد؛ نمی‌ترساندند (العارف عبداللّه، ۱۳۹۱، ص. ۳۵۱).

(ج) شرکت در مبارزات

سالی ذهبی، از دخترانی که در گروه زنان سازمان ملل متحد نقش پر رنگی در هماهنگی تظاهرات از طریق شبکه‌های اجتماعی داشت؛ در جهت تحقق اهداف مربوط به زنان تلاش می‌نمود. وی داوطلبانه اقدام به شناسایی هویت افرادی که قصد ورود به میدان التحریر را داشتند؛ می‌نمود (العارف عبداللّه، ۱۳۹۱، صص. ۳۵۱-۳۵۲). می‌توان گفت در صورت نیاز، زنان هم می‌توانند همانند مردان در اقدامات انقلابی سازمان‌یافته و مسلحانه شرکت فعال داشته باشند (شایگان، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۳۱۲). بیداری اسلامی موجب شد زنان مسلمان با بازیابی هویت ممتاز خویش، نقش سازنده و بالایی در این تحولات داشته باشند. برای مثال، در یمن و بحرین زنان بیشترین میزان حضور را در تظاهرات ضد رژیم داشتند؛ زنان مسلمان در مصر با پوشش خاص خود، با حضور در میدان التحریر قاهره رژیم حسنی مبارک را فلج کردند (قربانی گلشن‌آباد، ۱۳۹۱، ج ۲، ص. ۱۰۹). در بحرین زنان اولین تظاهرکنندگانی بودند که در میدان مروارید

خواستار تحول و دگرگونی شدند. جنبش بحرین تا حد قابل توجهی به وسیله زینب خواجه رهبری شد که در اعتراض به ضرب و شتم و دستگیری اعضای خانواده اش، در اعتصاب غذا به سر می برد (بدیعی ازندهای و مختاری یوسف آباد، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۴۳).

۳-۷. مرحله استقرار و تثبیت حرکت های انقلابی خاورمیانه

الف) شرکت در انتخابات

نقش سیاسی زن مصری پس از انقلاب ژانویه نه تنها به حاشیه نرفت، بلکه با اقداماتی از قبیل شرکت پرشور در فرایند انتخابات، اعلام نامزدی برای انتخابات و یاری رساندن به نامزدهای مردی که به برنامه سیاسی وی اعتماد کامل داشتند، سیری صعودی به خود گرفت (العارف عبداللّاه، ۱۳۹۱، ص. ۳۵۳). اگر در رژیم های دیکتاتوری سابق، زنان مسلمان در عمل در حالی از سکوت و انزوا قرار داشتند، در طول این تحولات با تمام ظرفیت خود در خدمت اهداف انقلاب قرار گرفتند و هویت اسلامی و انقلابی خود را باز یافتند و به ایفای نقش خود پرداختند.

ب) تصدی مسئولیت های اجرایی

بینه کامل که به مبارزه با استبداد شناخته شده بود؛ در جهت تحقق برابری و عدالت میان اقشار جامعه، اعم از زن و مرد، تلاش می نمود. او تنها زن مصری بود که برای انتخابات ریاست جمهوری مصر نامزد شد (العارف عبداللّاه، ۱۳۹۱، ص. ۳۵۲). هم اکنون نسبت مشارکت زنان مصری در پارلمان این کشور بسیار ضعیف و ناچیز است به طوری که حتی از ۳ درصد تجاوز نمی کند. این وضعیت هرچند سبب ناامیدی بسیاری از زنانی شد که در انقلاب مشارکت داشتند، لیکن به هر حال آن ها هنوز هم در تحقق مطالبات خویش اراده و عزمی راسخ دارند (العارف عبداللّاه، ۱۳۹۱، ص. ۳۵۴). دولت منتخب تونس با تأکید بر مساوات کامل بین زن و مرد در قانون اساسی جدید از این امر حمایت می نماید (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۱).

ج) پاسداری از انقلاب

در تحولات عربی زنان به شکل های مختلف نقش آفرینی کرده اند؛ چنان که می توان به حضور آنان در شبکه های اجتماعی تویتر و فیس بوک، راه اندازی رادیو دختران، حضور

در اعتراضات، هویت بخشی به ویژگی‌های زنان، حضور حداکثری در قدرت و مراکز تصمیم‌گیری از جمله مجلس، گرایش نوین جنبش‌های اسلامی همچون النهضة و اخوان المسلمین به مسائل زنان همانند پوشش زنان و ... اشاره کرد (شمسینی غیاثوند، ۱۳۹۱، ص. ۴۲). امروز زنان در کنار مردان به فراگیری دانش در سطوح بالایی از علم می‌پردازند و زنان اندیشمند زیادی هستند که در تحولات انقلابی عربی نظریه‌پردازی می‌کنند و حضورشان در کنار مردان برای پویایی نهضت الزامی است. زمانی که از قشر زن نمایندگانی در نهضت‌ها در کنار مردان انقلابی حضور داشته باشند، اهداف انقلاب کامل‌تر و جامع‌تر شکل می‌گیرد و زنان می‌توانند با حضور سازنده خود و با اندیشه‌هایشان به پیروزی نهضت کمک کنند (علی اکبری، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۷).

د) حضور در تشکله‌ها و احزاب

از نمادهای بیداری زنان مسلمان می‌توان به تشکیل احزاب، جمعیت‌ها و سازمان‌های اسلامی زنان مسلمان اشاره نمود؛ پدیده‌ای که از نظر ساختار جدید؛ اما از نظر نهادی پیشینه آن به صدر اسلام می‌رسد. مکتب‌خانه‌ها، جلسات مذهبی خانگی و مجالس شادی و اندوه اهل بیت (ع)، درواقع مراکز تجمع و انس زنان به‌ویژه زنان شیعه است. آن‌ها در مجالس مذکور درس شهادت و مبارزه را به فرزندانشان می‌دهند.

احزاب و گروه‌های اسلامی در کشورهای عربی در نهضت‌های اخیر نقش داشته‌اند. این نقش در برخی از کشورها مانند مصر، بحرین و تونس چشمگیرتر بوده است؛ زیرا گروه‌های اسلامی اخوان المسلمین مصر و الوفاق بحرین دارای تشکیلات منسجم‌تر و پایگاه مردمی رفیع‌تری بوده‌اند؛ لذا باید اذعان کرد، آموزه‌های اسلامی عامل اصلی و نیروی محرکه قیام‌های عربی بوده است. واقعیت دیگر این است که این خیزش‌ها عموماً از سوی جوانان و زنان و از طریق استفاده از رسانه‌های الکترونیک گسترش یافته است (محمدی‌زاده، ۱۳۹۱، ج ۲، ص. ۷۶).

۸. وجه شباهت و تفاوت نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی کشورهای

عربی

۸-۱. وجه تشابه نقش زنان در انقلاب اسلامی و حرکت‌های انقلابی خاورمیانه

شباهت میان مشارکت زنان در هسته‌های اولیه انقلابی، در انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی عربی به وضوح قابل تشخیص است. در این انقلاب‌ها زنان از همان آغاز انقلاب کنار مردان به مبارزه پرداخته و تمایزی در این زمینه بین انقلاب‌ها مشاهده نمی‌شود.

در کنار حضور پرشور زنان در هسته‌های مبارزه ضد رژیم پهلوی می‌توان به تشکیل هسته‌های مخفی آنان نیز اشاره نمود که ضمن حمایت از خانواده زندانیان، مبارزان، مجروحان و شهیدان، به پخش اخبار مبارزه و توزیع اعلامیه‌ها علیه رژیم اقدام می‌نمودند. اغلب مرکز هسته‌های مقاومت در مساجد، جلسات بانوان و هیأت‌ها تشکیل می‌شد (حاجی بیگی، ۱۳۷۹، ص. ۲۱۳). تحصن، هسته مقاومت دیگری بود که برخلاف هسته‌های مقاومت مخفی، مخالفت با رژیم را آشکار می‌نمود. در انقلاب‌های مذکور مشارکت زنان در انواع فعالیت انقلابی مانند پخش اعلامیه، وبلاگ نویسی، فدا کردن جان خود و دیگر اعضای خانواده، تلاش برای ساقط کردن نظام مستبد سیاسی و... مشاهده می‌شود.

یکی از فعالیت‌های مهم زنان انقلابی فعالیت‌های سیاسی بود. مبارزان زن انقلابی در زندان‌های رژیم پهلوی مانند مردان شکنجه می‌شدند یا به شهادت می‌رسیدند. زنان در زمان انقلاب جلسات سیاسی برپا می‌کردند و در سخنرانی‌های سیاسی که تعداد این جلسات سیاسی در شهرهای مختلف کم نبود، شرکت فعالانه داشتند و بر آگاهی سیاسی و انقلابی خود می‌افزودند (خلخال، ۱۳۷۹، ص. ۷۸). در انقلاب اسلامی و در انقلاب‌های عربی زنان سعی در جذب مبارزین بیشتری داشتند.

حضور پرشور زنان در تظاهرات انقلاب اسلامی و در حرکت‌های انقلابی خاورمیانه امری انکار نشدنی است. در تظاهرات، زنان همراه کودکان خود، بدون واژه‌ها از توپ، تانک و مسلسل، به میدان مبارزه می‌رفتند. چنانکه در قسمت‌های بالا ذکر شد، زنان به صورت گسترده در تظاهرات خیابانی مشارکت داشتند. زنان مسلمان محجبه لیبی، مصر، بحرین، یمن و تونس در مقابل دشمن در کنار مردان به خیابان‌ها رفته و خواهان سرنگونی رژیم‌ها بودند. می‌توان

گفت هم‌چنانکه زنان در یمن و بحرین بیشترین حضور در تظاهرات ضد رژیم را داشتند؛ در انقلاب مصر نیز نقش مهمی ایفا نمودند؛ اولین تظاهرات خصمانه و علنی کشور با شعارهای تند علیه رژیم را زنان انجام می‌دادند. حرکت عظیم و مهمی که زنان در شروع و تداوم آن نقش بسیار فعالی در آن ایفا نمودند (حافظیان، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷). زنان در انقلاب‌ها چه به‌عنوان همسر و چه به‌عنوان مادر، مردان را به مبارزه تشویق نموده و از آن‌ها حمایت می‌کنند؛ لذا در کنار حضور مستقیم مؤثر زنان باید به حضور تأثیرگذار غیرمستقیم آنان (تأثیر بر مردان خانواده) نیز اشاره نمود؛ که از حضور مستقیم آنان تأثیر کمتری نداشت. زنان گذشته از آنکه خود با شور و استقامت علیه دشمن استعمارگر مبارزه می‌کردند، مردان را نیز به پیکار و استقامت بیشتر ترغیب می‌نمودند.

پس از پیروزی انقلاب‌ها و در زمان تعیین نوع حکومت و نیز شخص مناسب برای حاکمیت، زنان نیز در پای صندوق‌های انتخاباتی حضور می‌یابند. نقش سیاسی زن مصری پس از انقلاب ژانویه نه تنها به حاشیه نرفت، بلکه با اقداماتی از قبیل شرکت پرشور در فرایند انتخابات، اعلام نامزدی برای انتخابات و با یاری‌رساندن به نامزدهای مردی که به برنامه سیاسی وی اعتماد کامل داشتند، سیری صعودی به خود گرفت (العارف‌عبدالله، ۱۳۹۱، ص ۳۵۳).

در این انقلاب‌ها برخی از زنان با توجه به توانایی و تحصیلات خاص خود توانستند برخی مسئولیت‌های اجرایی را بر عهده بگیرند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ماهیت دینی و مذهبی حکومت موجب گردید تا زنان با حفظ باورها و ارزش‌های دینی خود در عرصه‌های سیاسی نیز، حضوری جدی داشته باشند؛ مانند بشینه کامل در مصر.

نقش دیگری که زنان با هوشیاری به آن عمل نمودند، پاسداری از انقلاب است. زنان در هر دو تحول انقلابی مذکور با انجام اقدامات ذکر شده سعی در پاسداری از انقلاب و آرمان‌های آن داشتند؛ اما زنان چه در انقلاب اسلامی و چه در انقلاب‌های خاورمیانه حضور چشم‌گیری در احزاب و تشکلات ندارند.

۲-۸. وجوه تفاوت نقش زنان در انقلاب اسلامی و حرکت‌های انقلابی خاورمیانه

در حرکت‌های انقلابی عربی زنان در انواع فعالیت‌ها مشارکت دارند؛ در برخی مواقع این مشارکت در حد رهبری اعتراضات نیز است؛ امری که در انقلاب اسلامی ایران به علت وجود

رهبری امام خمینی از دیگر مردم ساقط شد. مهم‌ترین تفاوت به مسئله رهبری برمی‌گردد؛ در انقلاب اسلامی ایران، رهبری از مردم فرسنگ‌ها جلوتر بود و مردم به دنبال او می‌دویدند. در تحولات انقلابی کشورهای عربی فرد خاصی در رهبری دارای نقش برجسته نیست و یک حزب، نهاد یا گروه اجتماعی خاص نیز مرکزیت و مرجعیت ندارد و گروه‌های متعدد سیاسی و موضوعی و اقشاری در آن نقش دارند. تفاوت دیگر، الگو نداشتن انقلابی‌های ایران و الگو داشتن مردم کشورهای منطقه است که تا حدی خلأ نداشتن رهبری را پر می‌کند. چنانکه بیان شد، در لیبی زنان آغاز کننده جنبش انقلابی بودند. چنانکه بیان شد؛ در تونس اولین صدای انقلاب را خواهر محمد بوعزیزی برآورد.

شیوه جذب مبارز نیز در این انقلاب‌ها متفاوت است؛ در انقلاب اسلامی جذب افراد از روش‌های سنتی بود؛ چنان‌که حدیدچی در خاطراتش بیان نمود (کاظمی، ۱۳۸۱، ص. ۶۱)؛ اما در حرکت‌های انقلابی خاورمیانه این کار از طریق رسانه‌های مجازی اتفاق افتاد.

مقایسه نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی ایران و تحولات انقلابی کشورهای عربی

مقایسه انقلاب‌ها	انقلاب اسلامی ایران	تحولات انقلابی کشورهای عربی
وجه تشابه	مشارکت در هسته‌های اولیه انقلابی مشارکت در فعالیت‌های انقلابی شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات شرکت در مبارزات تشویق مردم به مبارزه پاسداری از انقلاب شرکت در انتخابات کم بودن تصدی مسئولیت‌های اجرایی کم‌رنگ بودن حضور در تشکلات و احزاب	
وجه تفاوت	وجود رهبری واحد و منسجم عدم داشتن الگوی معاصر شیوه جذب مخاطب به‌طور سنتی	نبود رهبری واحد و منسجم داشتن الگوی معاصر شیوه جذب مخاطب از طریق فضای مجازی

نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر بررسی و مقایسه نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی کشورهای عربی بود. لذا درصدد پاسخ به این سؤال اصلی بود که نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی کشورهای عربی چگونه بوده و تفاوت و شباهت‌های آن‌ها در چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، از روش مقایسه‌ای برای مقایسه نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و کشورهای عربی استفاده شد. براین اساس، ابتدا به بیان تعاریفی از مشارکت سیاسی پرداخته شد؛ سپس با ارائه شاخص‌های مشارکت سیاسی زنان در انقلاب‌ها به بررسی این شاخص‌ها در دو انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی کشورهای عربی پرداخته شد. شاخص‌های مشارکت سیاسی زنان در انقلاب‌ها در ۳ بخش: مرحله اول شکل‌گیری انقلاب‌ها که شامل مشارکت در هسته‌های اولیه انقلابی؛ مشارکت در فعالیت‌های انقلابی و جذب مبارز به گروه؛ مرحله دوم اوج و پیروزی انقلاب‌ها که شامل شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات؛ شرکت در مبارزات؛ تشویق مردم به مبارزه و درنهایت مرحله سوم شامل پاسداری از انقلاب؛ شرکت در انتخابات؛ تصدی مسئولیت‌های اجرایی و حضور در تشکل‌ها و احزاب در هر دو حرکت انقلابی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. با بررسی انجام شده می‌توان گفت نقش سیاسی زنان در انقلاب اسلامی و تحولات انقلابی کشورهای عربی در زمینه‌های مشارکت در هسته‌های اولیه انقلابی؛ مشارکت در فعالیت‌های انقلابی؛ شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات؛ شرکت در مبارزات؛ تشویق مردم به مبارزه؛ پاسداری از انقلاب؛ شرکت در انتخابات؛ تصدی مسئولیت‌های اجرایی و کم‌رنگ بودن حضور در تشکل‌ها و احزاب به صورت یکسان و مشابه بوده است. در مورد تفاوت‌ها نیز می‌توان به شیوه جذب مبارز به گروه اشاره نمود که در انقلاب ایران به‌طور سنتی بوده؛ اما در تحولات انقلابی کشورهای عربی فضای مجازی و رسانه نقش برجسته‌ای ایفا نمودند؛ همچنین از نظر رهبری و داشتن الگو معاصر نیز متفاوت هستند. نکته قابل توجه و تأمل دیگر در هر دو مورد اینکه، زنان در دوران شکل‌گیری و شروع انقلاب و دوران پیروزی انقلاب‌ها نقش سیاسی بارزتر و فعال‌تری داشته‌اند؛ اما در دوران استقرار و تثبیت، حضور و نقش سیاسی آنان، به‌جز در مورد پاسداری از انقلاب و شرکت در انتخابات، آن‌هم به‌عنوان انتخاب‌کننده، در سایر موارد، یعنی واگذاری و تصدی سمت‌های

اجرایی و حضور در تشکل‌ها و احزاب کمرنگ است. این در حالی است که در دوران تثبیت و استمرار نیز برای رسیدن به اهداف و پیروزی همانند دوران شکل‌گیری انقلاب‌ها و پیروزی انقلاب‌ها نیازمند حضور و نقش سیاسی فعال زنان است؛ لذا این امر توجه ویژه، برنامه‌ریزی و فراهم نمودن فضای مناسب برای حضور بیشتر و تأثیرگذارتر زنان در جامعه را می‌طلبد.

منابع

- آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- آل غفور، سید محمد تقی و کاشف الغطاء، فاطمه (۱۳۸۸). تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی بر مشارکت سیاسی زنان در ایران. فصلنامه بانوان شیعه، ۲۰ (۶)، ۱۵۰-۱۸۲.
- <https://www.magiran.com/paper/779198>
- احمد مرعی، نادیه عبدالله (۱۳۹۱). چالش‌های پیش روی زنان بیداری اسلامی چگونگی مواجهه با آن. مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- الخست، محمد عثمان (۱۴۰۴ ق). من اعجاز القرآن (ولیس الذکر کالانثی). قاهره: مکتب القرآن.
- العارف عبدالله، هناء (۱۳۹۱). نقش زن مصری در انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱. مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بدیعی ازندهی، مرجان و مختاری یوسف آباد، سیده راضیه (۱۳۹۱). بیداری اسلامی در بحرین: ناپایداری حکومت و کارکردهای سیاسی زنان. مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- پیشگاهی فرد، زهرا، دستوری، مژگان و ابراهیمی، سودابه (۱۳۸۸). تحلیلی بر میزان مشارکت زنان در تشکل‌های سیاسی کشور در سال ۱۳۸۵. زن در توسعه و سیاست، ۷ (۱)، ۷-۲۸.
- https://jwdp.ut.ac.ir/article_28284.html
- پیشگاهی فرد، زهرا و زهدی گهرپور، محمد (۱۳۸۹). بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی. فصلنامه زن و جامعه، ۱۱ (۱)، ۲۵-۴۴.
- https://jzvj.marvdasht.iau.ir/issue_191_195.html

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). زن در آینه جمال و جلال. قم: اسراء.
- چابکی، البنین (۱۳۸۱). نقش عوامل روان‌شناختی در مشارکت سیاسی زنان. فصلنامه علوم اجتماعی، ۹ (۱۹)، ۱۰۷-۱۳۵. https://qjss.atu.ac.ir/article_5231.html
- حاجی بیگی، محمدعلی (۱۳۷۹). *خاطرات حجت الاسلام والمسلمین عمید زنجانی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۰). زنان و انقلاب، داستان ناگفته. تهران: اندیشه برتر.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱/۵/۲۴). حقوق زن و مرد در تونس، چالشی اساسی یا بازی سیاسی. <https://www.irna.ir/news/80276323>
- خلیلی، محسن (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران. زن در توسعه و سیاست، پژوهش زنان، ۵ (۲)، ۱۶۵-۱۸۶. https://jwdp.ut.ac.ir/article_27012.html
- خلخالی، صادق (۱۳۷۹). *خاطرات آیت‌الله خلخالی: از ایام طلبگی تا دوران حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب اسلامی*. تهران: نشر سایه.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۰/۸/۲۲). بیانات در دیدار جمعی از پرستاران. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2511>
- رادفر، سودابه (۱۳۹۱). بررسی نقش خلاقیت بر میزان مشارکت در فعالیت‌های سیاسی زنان مسلمان. مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- رفیع، حسین؛ شفیع پور، ابراهیم و جمالی، جواد (۱۳۹۱). نقش‌آفرینی زنان در بیداری اسلامی: بررسی موردی بحرین. مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- رویوران، حسن (۱۳۹۱). نقش زنان در قیام بحرین. چکیده مقالات اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- شالانی، پریسا (۱۳۹۱). تأثیر نقش زنان اسوه صدر اسلام در احیای ارزش‌های والای انسانی در موج بیداری اسلامی. چکیده مقالات اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- شایگان، فریا (۱۳۹۱). نقش زنان مسلمان در بیداری اسلامی با تأکید بر الگوی انقلاب اسلامی. مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.

- شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۳۷۶). حدود مشارکت سیاسی زنان در ایران. ترجمه محسن عابدی، تهران: انتشارات بعثت.
- شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۳۷۷). مسائل الجرحه فی فقه الامراه: تأملات اسلامیه حول المرآه. بیروت: المنار.
- شمسینی غیاثوند، حسن (۱۳۹۱). جایگاه زنان در جنبش‌های نوین بیداری اسلامی با تأکید بر تونس. چکیده مقالات اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- صالح، نازیها (۱۳۹۱). سیره زنان در بیداری اسلامی در گذشته و حال. مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- طغرانگار، حسن (۱۳۸۳). حقوق سیاسی - اجتماعی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عبدالحلیم، محمد ابوشقه (۱۴۱۰ ق). مشارکه المرآه المسلمه فی الحیاه الاجتماعی. کویت: دارالقلم.
- علی اکبری، زهرا (۱۳۹۱). نقش فرهنگ حجاب، عفاف، حیا و معنویت زن مسلمان در استمرار و حفظ بنیه بیداری اسلامی، چکیده مقالات اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- غفوری بناد کوکی، اکبر (۱۳۶۹). مشارکت سیاسی (جنبه‌های نظری و عملی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).
- فیرحی، داوود (۱۳۷۷). مفهوم مشارکت سیاسی. فصلنامه علوم سیاسی. ۱ (۱)، ۳۸-۶۹.
https://psq.bou.ac.ir/article_7422.html
- فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران. ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- قربانی گلشن آباد، محمد (۱۳۹۱). بیداری اسلامی و بازیابی هویت زنان مسلمان بر اساس مفاهیم و ارزش‌های انقلابی - اسلامی، در مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی.
- قوام، عبدالحی (۱۳۸۴/۴/۹). بحران مشارکت سیاسی در آسیای مرکزی. همشهری.
- کاشف الغطاء، فاطمه (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵). رشد سیاسی؛ تحلیل فرایندی (پیش و پس از ظهور اسلام). بانوان شیعه، ۳ (۶ و ۷)، ۲۷۹-۳۱۶.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/172154>

- کاظمی، محسن (۱۳۸۱). *خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ)*. دفتر ادبیات و هنر انقلاب اسلامی. ناشر: شرکت انتشارات سوره مهر.

- کدی، نیکی (۱۳۶۹). *ریشه‌های انقلاب ایران*. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: قلم.
- کریمی تبار، مریم (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵). مشارکت سیاسی زنان مسلمان؛ بررسی تطبیقی زنان مسلمان ایران و زنان صدر اسلام. *بانوان شیعه*، ۶ و ۷، ۳۷۹-۴۰۰.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/172158/>

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- محمدی زاده، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی نحوه بازنمایی هویت زنان از طریق رسانه‌ها در موج بیداری اسلامی. در *مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی*.
- مصفا، نسرین (۱۳۷۵). *مشارکت سیاسی زنان در ایران*. وزارت امور خارجه، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات.

- موسوی، منیره و موسوی، خدیجه (۱۳۹۱). نقش زنان در بیداری اسلامی، *چکیده مقالات اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی*.

- وثوقی، منصور و هاشمی، عبدالرسول (۱۳۸۳). روستایان و مشارکت سیاسی در ایران مطالعه موردی: روستاهای حومه شهرستان بوشهر (چاه کوتاه، آب‌طویل و تل اشکی). *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۱ (۶)، ۱۰۹-۱۴۰. <https://doi.org/20.1001.1.17351162.1383.11.26.4.4>

- یزدخواستی، نرگس (۱۳۷۲). *زنان و تغییرات اجتماعی*. اصفهان: مانی.
- Macclosky, R. (1968). Political Participation, *International Encyclopedia of Social Science*. vol. 11, New York: Macmillan press.